

استراتژی اسرائیل در قبال لبنان؛ یک نگاه تاریخی

نویسنده: دکتر شفیق ابو علیوی *

بخش ترجمه

طمع ورزی اسرائیل به خاک لبنان، سابقه‌ای دیرینه دارد. برخی از افراطیون مذهبی یهود، با تکیه بر متون مذهبی پشتوانه‌ای ایدئولوژیک برای اشغال لبنان فراهم آورده بودند. به استظهار این آراء، مقامهای سیاسی و نظامیان نیز لزوم اشغال لبنان را به دلایل توسعه ارضی، دستیابی به منابع آب، کنترل مخالفان فلسطینی و تأمین امنیت، ضروری می‌دانستند. حاصل این تعامل، ورود اسرائیل به گرداب لبنان و اشغال بخشهایی از خاک این کشور بود. این مقاله همچنین دلایل تجاوز و تأثیر آن بر تحولات داخل لبنان را مورد بررسی قرار می‌دهد:

مقدمه

طمع ورزی صهیونیستها در قبال لبنان و خصوصاً جنوب آن به قبل از ایجاد دولت اسرائیل بازمی‌گردد با این ادعا که آنها بر این قسمت حق تاریخی و مذهبی، دارند و برای

* محقق و استاد دانشگاه لبنان

تصرف سرزمینهای عربی، لبنانی و منابع آب آنها خود را محق می‌دانند. آنها این مسأله را با استناد به دعوتهای تورات مطرح می‌کنند تا یک دلیل و توجیه برای تحقق رؤیاهای اهدافشان داشته باشند و بتوانند بر اراضی لبنان سیطره پیدا کنند، ساختار اقتصادی و اجتماعی آن را تغییر دهند، بافت لبنان را تخریب کنند و بالاخره دولتهای طایفه‌ای و کوچک به وجود آورند و در واقع رژیم نژادپرستانه قومی خود را توجیه کنند.

صهیونیستها با تکیه بر اسفار تحریف شده تورات و با استناد به آن رژیم خود را در سرزمین فلسطین ایجاد کردند و این عمل را بر اساس متونی می‌دانستند که به اسرائیل حق اشغال سرزمین بین‌الجبلین و لبنان را داده است. یهودیان این متن را چون یک فتوای الهی می‌دانند و برای مرزبندی سرزمین موعود، به سفر تکوین استناد می‌کنند. «ما باید بر این سرزمین از نهر مصر تا نهر بزرگ دست یابیم» (۱).

جنبش صهیونیسم این متن را چنین تفسیر کرده است که مرزهای دولت از رودخانه نیل تا رودخانه فرات ادامه می‌یابد. بعضی از مورخان در پیرامون نسل ابراهیم تحقیق کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که فرزندان عرب اسماعیل، صاحب این حق هستند و ادعای یهود یک ادعای تاریخی باطل است برای این که سکونت اعراب کنعانی از یهودیان قدمت بیشتری دارد. تئودور هرivel در کتاب خود به نام «دولت یهودی فلسطین» با استناد به نظریه حق الهی و نیاز به سرزمین، چنین تفسیر کرده است: ما از زمین هر چه نیاز داریم خواهیم گرفت و این مقدار مورد نظر با ازدیاد مهاجران افزایش می‌یابد. (۲)

سیاستمداران و نظامی‌های اسرائیل با جنگهای متعدد این نظریه را اجرا کردند و هجوم علیه کشورهای عربی را آغاز نمودند. بخش وسیعی از فلسطین را در سال ۱۹۴۸ اشغال کردند و سپس صحرای سینا در مصر و بلندبهای جولان در سوریه و سرزمینهای باقیمانده فلسطین را در سال ۱۹۶۷ به تصرف خود درآوردند. سپس در سال ۱۹۷۸ جنوب لبنان را تا

رودخانه لیتانی به تصرف خود در آوردند و به پایتخت لبنان نیز دست اندازی کردند به طوری که بیروت در سال ۱۹۸۲ به اشغال آنان درآمد.

طمع ورزی اسرائیل به آبهای لبنان

نیاز اسرائیل به آب به چند علت افزایش یافته بود که این عوامل عبارتند از:

۱- افزایش مصرف خانوارها

۲- افزایش تعداد جمعیت به شکل طبیعی یا در نتیجه مهاجرت‌های روزافزون

۳- سیاست شهرک‌سازی و ایجاد شهرک‌ها و پیشرفت پروژه‌های آبیاری.

گزارش منتشر شده از سوی سازمان ملل در مورد مصرف آب اسرائیل در بین سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ بر اساس اعداد و ارقام چنین است:

مصرف منابع قدیم و جدید آب از ۱۷ درصد در سال ۱۹۴۸ به ۹۵ درصد در سال ۱۹۷۸ رسیده و با افزایش سالانه به ۱۵ تا ۲۰ میلیون متر مکعب می‌رسد. این مصرف سالیانه‌ای است که اسرائیل در قبل از سال ۱۹۶۷ با آن مواجه بود و بعد از سرمایه‌گذاری در همه منابع آبی از یک میلیارد و ششصد و ده میلیون به یک میلیارد و ششصد و پانزده میلیون متر مکعب رسیده است. (۳)

زمانی که از همه منابع آبی فلسطین بهره‌برداری شد و تعداد مهاجران خصوصاً با رسیدن موج تازه‌ای از آنها که تقریباً یک میلیون نفر از دولتهای بزرگ و بویژه از اتحاد شوروی سابق بودند، افزایش یافت، رهبران اسرائیل برای غلبه و تسلط بر منابع آب در جنوب لبنان و بویژه منابع و شعبه‌های رودخانه اردن و رودخانه حاصبانی و آبهای لیتانی تلاش خود را آغاز کردند تا آنجا که فواید اقتصادی آن نسبت به فواید استراتژیک آن اهمیت بیشتری پیدا نمود. این کار با هدف توسعه پروژه‌های آبرسانی و آبیاری منطقه صحرائی نقب و روی آوردن افراد بیشتری از مهاجران یهود و برپایی شهرک‌های جدید

انجام گرفت. بالاخره به دلیل فقدان منابع آبی جدید در فلسطین آنها در تلاش بودند تا بر آبهای لبنان دست یابند.

وزیر امور خارجه اسرائیل در سال ۱۹۵۱ در گفتگو با روزنامه جرزالم پست اظهار داشت که اسرائیلی‌ها چندان اهتمام و توجهی به دو نهر نیل و فرات ندارند و توجه آنها بیشتر بر روی رودخانه اردن و شعبه‌های آن می‌باشد. (۴) صهیونیستها اعتقاد دارند که لبنان بر عکس فلسطین سرشار از آب است و اظهار می‌دارند که میلیونها متر مکعب از آب لیتانی در جنوب لبنان سالانه به سوی دریا سرازیر می‌شود در حالی که می‌توان از این آب در هر منطقه‌ای استفاده کرد. (۵) مطالبه آبهای نهر لیتانی از هیچ حق قانونی یا اقتصادی یا تکنولوژی پیروی نمی‌کند. رودخانه لیتانی از سرزمینهای لبنان سرچشمه می‌گیرد و از منبع تا مصب در داخل لبنان جاری می‌شود. این طمع‌ورزی صهیونیستها در مورد آبهای لبنان به قبل از ایجاد رژیم صهیونیستی و تا حدودی بعد از آن باز می‌گردد. آنها برای غلبه بر دو رودخانه حاصبانی و لیتانی به نیروی نظامی متوسل شدند و زمانی که در راه رسیدن به طمع‌ورزی‌هایشان با استفاده از قدرت و زور عاجز ماندند، به کتمان این طمع‌ورزیها پناه بردند و آن را به صورت پروژه‌های عمرانی سرمایه‌گذاری مطابق با اهداف توسعه داخلی مطرح می‌کردند. (۶)

این چنین بود که ماهیت بسیاری از پروژه‌های بزرگ آبی کشف شد. بزرگترین این پروژه‌ها از یک تبعه آمریکایی به نام جانستون بود، که اعراب و اسرائیلی‌ها را برای پذیرش پروژه‌های که تا سال ۱۹۵۳ نام او را به یدک می‌کشید تشویق می‌کرد. وی می‌کوشید تا زمینه را برای پروژه رودخانه اردن و ساخت و ساز سد داخلی سرزمینهای لبنان و جمع‌آوری ۱۶۵ میلیون متر مکعب آب برای استفاده اسرائیلی‌ها آماده کند. (۷) حکومت لبنان این پروژه را رد کرد همانطور که «پروژه دوی» شبیه پروژه جانستون نیز رد شد. این پروژه با عنوان پروژه کوتون در سال ۱۹۵۴ مطرح شد و این پروژه برای تعیین وضعیت آبهای لبنان

خطر فراوانی در برداشت به طوری که با اجرای این طرح اسرائیل بر ۵۵ درصد آبهای که در مجرای رودخانه لیتانی و منابع رودخانه اردن جریان داشت، سیطره می‌یافت. مقدار این آبها یک میلیارد و دویست و هفتاد میلیون متر مکعب برآورد می‌شد. (۸)

اظهارات مسئولان اسرائیلی، طمع‌ورزی‌های آنها را نسبت به آبهای لبنان و خصوصاً رودخانه لیتانی فاش ساخت. از آن جمله می‌توان به بیانات نخست وزیر سابق اسرائیل لوی اشکول اشاره کرد که اظهار می‌داشت: برای اسرائیل امکان ندارد که دست بسته بنشیند و آبهای لیتانی به دریا بریزد. لوله‌های اسرائیل برای استقبال از این آبها آماده است. (۹) وی به شکلی مفتضحانه تأکید کرد که نیم میلیارد متر مکعب از آب لیتانی به دریا ریخته می‌شود و باید این آب را برای این منطقه استفاده کرد. (۱۰) پیش از این بن‌گوریون در نامه‌ای که به ژنرال دوگل فرستاده بود، به استفاده از آبهای این رودخانه اظهار تمایل کرده و نوشته بود که امنیت من در آینده این است که لیتانی در مرزهای شمالی اسرائیل قرار بگیرد. (۱۱) وزیر دارایی پیشین در ۳۰ آوریل سال ۱۹۷۳ توضیح داد که او به دلیل نیاز به همکاری در آنچه که مربوط به استفاده از آبهای لیتانی است و در حال حاضر به دریای مدیترانه ریخته می‌شود و می‌توان از آن نیروی برق تولید کرد در آرزوی تحقق صلح با لبنان است. (۱۲)

دنایای عرب که از طمع‌ورزی اسرائیل در مورد آبهای عربی و خصوصاً آبهای اردن و شعبه‌های آن و سرزمینهایی که رود حاصبانی در آن قرار دارد، آگاهی یافته بود، برای بحث در این زمینه در سال ۱۹۶۴ کنفرانس سران عرب را برگزار کرد. یکی از مصوبات آن کنفرانس انتقال مجرای آب رودخانه اردن و ایجاد پروژه‌های آبرسانی بود که لبنان، سوریه و اردن از آن استفاده بکنند. اسرائیل این پروژه‌ها را با تهدید و دخالت نظامی عمداً تعطیل کرد و از ادامه آن جلوگیری نمود. در سال ۱۹۶۷ تجاوزات دامنه‌دار خود را به دولتهای عربی آغاز کرد و فکر و اندیشه انتقال آب را به طور کلی لغو نمود.

اسرائیل در سال ۱۹۷۸ بخشهایی از جنوب لبنان را اشغال کرد و عملیات نظامی خود را

عملیات لیتانی نامید، اما بعد از مدتی ناچار به عقب‌نشینی از اکثر مناطقی شد که اشغال کرده بود و در منطقه‌ای که به نام نوار مرزی و کمربند امنیتی می‌نامید، باقی ماند. سرزمینهایی که در آن منابع و شعبه‌های رودخانه حاصبانی بود، اشغال شد و اطراف بعضی از مناطق سیم‌خاردار کشید و از نزدیک شدن ساکنان به آن جلوگیری نموده و سرزمینهای فلسطین اشغالی و از جمله سرچشمه نهر الوزانی را به آن ضمیمه کرد. همچنین قلعه شقیف را بعد از عقب‌نشینی از جنوب لبنان در سال ۱۹۸۵ حفظ کرد تا بتواند به طور کامل بر مجاری رود لیتانی نظارت کند. اکنون نیز علی‌رغم خروج، به دنبال ایجاد سیاست عادی‌سازی و سپس با فشار سیاسی و نظامی، به طور وقیحانه خواهان استفاده از آبهای لبنان است.

سیاست الحاق سرزمینهای لبنانی

در پایان جنگ جهانی اول، حرکت صهیونیستها با نشاط و فعالیت برای تغییر نقشه‌های سیاسی شرق عربی که فرانسه و بریتانیا در طی قرارداد سایکس‌بیگو آن را ترسیم کرده بودند، آغاز شد. بر اساس این نقشه‌ها، مرزهای جنوب لبنان از شهر عکا در نزدیکی دریای مدیترانه تا نقطه شمال دریاچه طبریا قرار داشت. مدت‌ها بعد صهیونیستها وارد این منطقه شدند و بر بریتانیا در چشم‌پوشی از آن فشار وارد کردند. این مسأله بعد از تحمیل قیمومیت بریتانیا بر فلسطین و قیمومیت فرانسه بر سوریه و لبنان بود.

کمیته بریتانیا - فرانسه تحت فشار یهودیان برای تجدید ترسیم مرزهای لبنان و فلسطین بار دیگر تشکیل شد - به نام کمیته نیو کمپ بریتانیا - و در سال ۱۹۲۳، هفده روستای لبنان را به سرزمینهای فلسطینی ملحق گردانید.

جنبش صهیونیسم تلاشهای خود را بین دو جنگ جهانی برای الحاق سرزمینهای لبنانی مجاور مرزهای تعیین شده ادامه داد و از موقعیت استراتژیک آن استفاده کرد و بر

جنوب لبنان تسلط یافت و مالکیت این اراضی را از دست ساکنین آن بیرون آورد. ۲۳ هزار دونم* از اراضی کشاورزی حاصلخیز که به بزرگترین مالکان لبنانی تعلق داشت و بریتانیایی‌ها نیز مالکیت برخی از این اراضی را از دست آنها گرفته بودند به آسانی در اختیار صهیونیستها قرار گرفت. (۱۳)

بعد از تأسیس اسرائیل تعداد دیگری از روستاهای لبنانی بعد از اشغال به این کشور ضمیمه شد. این روستاها عبارت بودند از شوکت، معسولة، اترت، خانوته، الدیهووجة، الجردیة، کفر برعم، طربنجة، صاروح، النبی روبین، قدس و صلحة. هنوز اکثر ساکنان این روستا تابعیت لبنانی دارند (این مسأله قبل از اعطای تابعیت اخیر است که در وزارت کشور به ساکنان این روستاها داده شده است). این روستاها از لحاظ اداری تابع استان مرجعیون بود. تعدادی از ساکنان بعد از اشغال فلسطین توسط اسرائیل مساحت‌های وسیعی را از دست دادند. مالکان این سرزمین‌ها سندهای خود را نگاه داشتند تا بتوانند مالکیت خود بر این اراضی را اثبات کنند.

امضای توافقنامه‌های آتش بس سال ۱۹۴۹ در روستای ناقوره بین لبنان و اسرائیل اتمام یافت، ولی از دست دادن سرزمینهایی که در مجاورت مرز بود به لبنان خسارت وارد آورده بود. مسیرهای عمومی در بعضی از مناطق حد فاصل مرز را تشکیل می‌داد و یکی از منازل در روستای العدیسه تقسیم شده بود و نصف آن به سرزمینهای اشغالی فلسطین پیوسته بود. اسرائیل هیچ فرصتی را از دست نداد و این کار را با تکه‌تکه کردن سرزمینهای لبنان و الحاق آن به سرزمینهای خود انجام داد. بعد از ژوئن سال ۱۹۶۷ مزارعی در منطقه شبعاء و جبل الشیخ رانیز به خود الحاق کرد. در خلال دهه هفتاد برای جلوگیری از ورود مبارزان فلسطینی، سراسر منطقه را با سیمهای خاردار محصور کرد. در مرحله بعد این اقدام را به داخل اراضی اشغالی لبنان کشاند و بخشهای وسیعی را به تصرف خویش درآورد.

* هر دونم ۹۳۳ متر است.

گاه به روستاها و مناطق متعددی در جنوب لبنان حمله می‌کرد که می‌توان از آن جمله حمله سال ۱۹۷۲ را نام برد که نیروهای اسرائیلی تا به نزدیکی شهر صور رسیدند. چنانکه پیشتر گفته شد آنها در سال ۱۹۷۸ عملیاتی به نام لیتانی را آغاز کردند. بعد از آن حمله سال ۱۹۸۲ و سپس جنگ ۱۹۹۳ را شروع کردند. این حملات و تعرضات صرفنظر از عملیات بمباران هوایی، دریایی و زمینی و عملیات کماندوها و تخریب خانه‌ها بود.

جداسازی بافت اقتصادی و اجتماعی

ملت لبنان مقاومت کرد و هنوز هم به شیوه‌های مختلف در مقابل دخالتها و تجاوزات اسرائیل مقاومت می‌کند. این کشور چنان در گیربهای قهرمانانه‌ای از خود نشان داد که نیروهای اسرائیلی از منطقه وسیعی که در سال ۱۹۸۲ آن را اشغال کرده بودند، عقب‌نشینی کردند. این عقب‌نشینی به کم‌رنگ شدن نقش اسرائیل در لبنان منجر شد و اسرائیلی‌ها مجبور شدند تا با وسایل و شیوه‌های مختلف برای باقی ماندن در آن متوسل شوند. به دنبال آن اسرائیل در امور داخلی لبنان دخالت کرد و تلاش نمود تا راه‌حلهای عربی و بین‌المللی را در بحران لبنان ناکام گرداند. طمع‌ورزی‌های اسرائیل علیه لبنان در همه زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی بروز کرد. اسرائیل نسبت به فعالیت بانکی و امور مالی لبنان طمع داشت تا اینکه خود بتواند یک مرکز مالی اصلی در منطقه خاورمیانه و نقطه اتصال و مرکز ارائه خدمات به شرق و غرب شود، همچنین به فعالیت اقتصادی لبنان با استناد بر بخشهای خدماتی طمع داشت.

هدف اسرائیل لغو سیاق همزیستی مسالمت‌آمیز موجود بین طوایف مختلف لبنان بود تا وجود قومی و نژادپرستانه خود را توجیه کند، اگر چه کمیته بین‌المللی حقوق بشر رژیم صهیونیستی را شکلی از اشکال نژادپرستی می‌دانست. اسرائیل از زمان تأسیس تا حال حاضر به وسایل نظامی و سیاسی متکی است و تا حدودی توانسته است به خواسته‌های

خویش دست یابد. همچنین از طریق مذاکراتی که در حال حاضر در جریان است در جهت تحقق اهداف دیگر خود می‌باشد، اهدافی که در خلال جنگهایی که علیه دولتهای عربی آغاز کرد و در خلال دخالتها و تجاوزاتش به لبنان از رسیدن به آن از طریق نظامی عاجز ماند.

جنگ اسرائیل در لبنان و جنگهای پیش از آن، منجر به تشدید بحران در داخل اسرائیل شد. عملیات نظامی علیه اشغالگران در مناطق مختلف لبنانی افزایش یافت. از آن پس این کشور به روشهای سیاسی پناه برد و کوشید تا با فشار بر حکومت لبنان، روابط سیاسی و اقتصادی را عادی کند. این اقدام بعد از تجاوزات و حملات این کشور بود که خسارتهای جانی و مالی فراوانی نیز به دنبال داشت و بنیه اقتصادی و اجتماعی در لبنان را از بین برد. خسارتهای حملات اسرائیل به دهها میلیارد لیره لبنان رسید و بیش از ۱۱۲ هزار واحد مسکونی در مناطق مختلف ویران شد. علاوه بر آن، دهها هتل و رستوران، مدرسه، سرمایه‌های کشاورزی، درختان پرمیوه، تفریحگاهها و زیرساختهای اساسی ویران شد. (۱۴)

مشهور است که جنوب لبنان حدود ۲۵ درصد زمینهای مرغوب کشاورزی در لبنان را تشکیل می‌دهد. همچنین ۱۸ درصد از کل زمینهای کشت آبی نیز در این ناحیه قرار دارد و فعالیت اقتصادی حاکم بر آن اساساً فعالیت کشاورزی خصوصاً کشت تنباکو. (۱۵) از دیگر اهداف اقتصادی اسرائیل در لبنان، ارتباط اقتصاد جنوب به اقتصاد کشور خود بعد از کوچ اجباری کارگران لبنانی به بیروت و مناطق امن داخل لبنان بود تا یک بحران اجتماعی به وجود آورد. تعداد مهاجران با افزایش بمباران و عملیات تخریب منظم منازل مسکونی افزایش می‌یافت و به دنبال آن این مناطق خالی می‌شد و بنابراین برای مقامات نظامی اسرائیل، مراقبت از سرزمینهای منطقه اشغالی بسیار آسان بود. هدف دیگر این اقدام پیوستن این کارگران از نظر اقتصادی به بازار کار اسرائیل بعد از تعطیلی زراعت تنباکو بود

که این محصول یک منبع عمده درآمد ساکنان این منطقه بود.

نمی‌توان میزان خسارت‌های اقتصادی ناشی از تجاوز را به طور کامل برآورد کرد خصوصاً که این تجاوزات تا زمان حاضر نیز ادامه دارد، ولی می‌توان مقدار این خسارت‌ها را خصوصاً بعد از حمله اسرائیل در سال ۱۹۷۸ برآورد کرد و یک نمونه آشکار از این حجم را ارائه داد. این خسارت‌ها در بخش کشاورزی تا حدود یک میلیارد لیره لبنانی تخمین زده می‌شود. (۱۶) هزاران دونم مزرعهٔ تنباکو و سبزیجات خسارت دیده‌اند و حدود ۱۵۰ هزار درخت زیتون و بادام و انجیر و مرکبات سوخته‌اند. (۱۷)

مهاجرت

مهاجرت از مناطق مرزی جنوب با مهاجرت ناشی از جنگ داخلی در بقیه مناطق لبنان تفاوت داشت. آنها به خاطر دشمنی مهاجرت کردند که سعی در فروپاشی لبنان و طولانی کردن بحران سیاسی و اجتماعی و اقتصادی داشت. موج تخلیه مناطق مسکونی از جنوب لبنان به سمت پایتخت و حاشیهٔ آن از زمان تهاجم اسرائیل آغاز شد. تعداد زیادی از خانواده‌ها قبل از اشغال در سرزمین‌های فلسطینی مشغول به کار بودند و مجبور به نقل و انتقال به سمت جنوب و سپس به دیگر شهرهای لبنان شدند. مهاجرت و تخلیه تمام شهرها و روستاهای مرزی بعد از تأسیس اسرائیل و اقدامات تجاوز کارانه آنها به صورت مکرر بر این روستاها و بویژه بعد از توافقنامهٔ قاهره در سال ۱۹۶۹ و فعالیت مقاومت فلسطین علیه اهداف اسرائیلی آنها را از هم پاشید و پراکنده کرد. تفاوت دیگر این مهاجرت آن بود که تداوم تحرک و انتقال و بازگشت به مناطق چندین بار بر حسب شدت بمباران و یا آرامش منطقه تغییر می‌کرد.

این دوره مهاجرت از آغاز سال ۱۹۷۰ آغاز شد و تا پایان اشغال ادامه داشت. سال ۱۹۷۰ زمانی بود که جنوب شاهد اولین موج مهاجرت دسته‌جمعی از روستاهای مرزی به مناطق

امن بود. منابع رسمی تعداد مهاجران را به ۳۰ هزار نفر از منطقه بنت جبیل (در حدود ۹۰ درصد) تخمین زده‌اند. به عنوان مثال می‌توان از روستاهای راشیا الفخار، دکتر حمام و کفر شوبا نام برد که به طور کامل خالی از سکنه شد. (۱۸)

این اوضاع تا برافروخته شدن جنگ داخلی لبنان ادامه یافت، اما نکته مهم آن بود که جنوب این بار شاهد موج مهاجرت معکوس بود و مهاجران از پایتخت و اطراف آن به سمت جنوب کوچ می‌کردند. آرامش حاکم بر جنوب چندان طول نکشید، زیرا اسرائیل که نقش بزرگی در لبنان ایفا می‌کرد، به جنوب حمله کرد تا آن را تصرف کند. تل‌آویو با این کار خواست تا بر اوضاع جنوب لبنان مسلط شود و سپس بتواند به بقیه مناطق نفوذ کند و در نهایت یک عنصر مؤثر بر اوضاع داخلی شود. سپس سعی کرد لبنانی‌ها را بفریبد و با کمک‌های انسان‌دوستانه در یک مرحله از جنگ داخلی، اقدام به برقراری روابط از طریق بعضی از روستاهای جنوب لبنان نمود و آنرا «جدار طیب» نامید.

پس از آن از نظر سیاسی و حتی نظامی خود را بر این منطقه تحمیل نمود و به تشکیل دولت کوچکی به فرماندهی سعد حداد در منطقه اشغالی جنوب اقدام کرد و اسناد فراوان گواهی می‌دهند که بعد از حمله سال ۱۹۸۲ در فکر توسعه این منطقه اشغالی بود.

بعد از حمله سال ۱۹۷۸ جنوب لبنان تقریباً خالی از سکنه شد و نسبت مهاجرین از منطقه که عملیات نظامی دلیل آن بود بر اساس گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به ۹۰ درصد رسید. (۱۹)

منابع دولتی لبنان تعداد آنها را ۲۲۰ هزار شهروند لبنانی تخمین زدند. تعداد مهاجران فلسطینی نیز که به خیمه‌گاههایی در منطقه صور مهاجرت کرده بودند، بر اساس گزارش آماری آن‌روا به ۶۵ هزار نفر رسید. (۲۰)

از عقب‌نشینی اسرائیل در ماه آوریل تا ژوئن سال ۱۹۷۸ اکثر این مهاجران به مناطق خود بازگشتند. حدود ۱۲۵ هزار مهاجر از روستاهایی که اسرائیل آنها را در تصرف خود نگاه

داشته بود، باقی ماندند و این منطقه به عنوان نوار مرزی شناخته شد. این افراد در مناطق مختلف لبنان و خصوصاً در بیروت و اطراف آن سکنی گزیدند. مهاجرت از جنوب لبنان، نتایج بسیار اسفناکی بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی به جا گذاشت و اکثر فعالیتهای کشاورزی را تعطیل کرد و باعث تفکیک بافت اقتصادی و اجتماعی شد. این موارد در نتیجه دور شدن نیروهای تولید کننده از این منطقه بود. این کوچ و مهاجرت کم کم به یک اقامت دائمی در اماکنی تبدیل شد که در آنجا مهاجران حضور داشتند. اما اسفبارتر آن که مهاجرت‌ها به خارج از لبنان نیز کشیده شد. به گونه‌ای که تعداد مهاجران از بنت جبیل به شهر دیترویت آمریکا تقریباً ۲۵ هزار شهروند تخمین زده می‌شد. (۲۴) این روند که در دوران تهاجم گسترده اسرائیل به لبنان سرعت یافت بتدریج پس از دهه هشتاد روند آرامی به خود گرفت. اکنون پس از عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از جنوب روند مناسبی از بازگشت آغاز شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشت‌ها

۱- پیرامون متنهای تورات که صهیونیستها به آن استناد می‌کردند به دکتر مسعود ضاهر با عنوان جیل عامل در چارچوب تجزیه استعماری در شرق عربی در کتاب برگه‌هایی از تاریخ جیل عامل، دارالفارابی، چاپ اول، بیروت، ۱۹۷۹، ص ۱۱ مراجعه کنید.

۲- وزارت تبلیغات و رسانه‌های گروهی لبنان، جنوب لبنان و طمع‌ورزیهای اسرائیل در آن، پژوهشهای لبنان، ۱۹۷۹، ص ۴۵.

3- Nations- unies, politiques "de Israel" en cequi concerne les ressources en eau de la rive occidentale. New york, 1960, p. 2.

۴- به نقل از روزنامه‌النه‌ار ۱۱ نوامبر ۱۹۷۳.

5- Chami, Jean: "Le litani, un Fleuve du liban pour Le liban, Oans: Etades libanais Avril ,1981, p. 76.

۶- کریم مروء، مقاومت. (بیروت: دارالفارابی، ۱۹۸۵). ص ۱۴۸.

۷- رمزی حبیب، طمع‌ورزی‌های صهیونیست و ناتوانی از رویارویی. مجله‌باحث شماره ۲۰-۲۱ نوامبر ۱۹۸۱.

۸- عبدالله عاصی، درگیری ما با اسرائیل. (بیروت: شورای فرهنگی جنوب لبنان، ۱۹۶۹). ص ۱۰۰.

۹- النهار، نوامبر ۱۹۷۳.

۱۰- رمزی حبیب، پیشین.

۱۱- النهار، ۱۱ نوامبر، ۱۹۷۳.

۱۲- عبدالله العاصی، پیشین.

۱۳- عبدالله، عاصی، همان. ص ۸.

۱۴- سلام الراسی، تاز بین نرویم بخش اول بیروت. د. ق. ص ۶۵.

۱۵- کریم مروءه، پیشین.

۱۶- کمال حمدان، جنوب در رویارویی با دشمنان، تفکیک بافت اقتصادی، اجتماعی یا جنگ اقتصادی چاپ شده در کتاب نتایج تجاوزات اسرائیل به جنوب لبنان. (بیروت: شورای فرهنگی جنوب لبنان، ۱۹۷۹) ص ۷۹.

۱۷- پیرامون خسارتهای اقتصادی مراجعه کنید به جنوب لبنان مصیبت و مقاومت. (بیروت: وزارت تبلیغات و رسانه‌های گروهی لبنان). ص ۶۶-۶۸.

۱۸- مجله النداء، ویژه نامه ۲۰ ژانویه ۱۹۸۰. ص ۳۱.

۱۹- النهار، ۲۵ ماه می ۱۹۷۰.

۲۰- جنگ جنوب مرحله‌ای جدید در طرح قدیم، مرکز پژوهش‌های لبنانی. ص ۹۲.

21- Lemonde, Le 10 Avril 1918.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
پرتال جامع علوم انسانی

۲۲- مهاجرین. پیشین. ص ۸۴.